

ساعت کاری ادارات از نیمه خرداد تغییر می‌کند

پیامدهای مصوبه غیر کارشناسی تثبیت ساعت رسمی کشور

صفحه ۲

روابط دیپلماتیک تهران و ریاض رسماً از سر گرفته شد کشایش قفل روابط ایران و عربستان با کلید چینی

صفحه ۲

اعتراض کارگران به رقم دستمزد به جاست

تورم بالا

افزایش دستمزد را بخار می‌کند

صفحه ۱۰

واردات ۱۰۰۰ موتور برقی با هدف کاهش آلودگی هوا

صفحه ۴

اعلام تصمیم ریاض درباره پایان جنگ یمن

صفحه ۱۱

اخراج چهار نفر از کارکنان سفارت ایران در جمهوری آذربایجان

صفحه ۳



صفحه ۵

دخالت دستوری معاون رئیس جمهور در قیمت گذاری خودرو واکنش‌ها را برانگیخت دور دور دولتمردان در چهارراه ناهماهنگی‌ها

سرمقاله



عبدالحکیم ابادی

به بهانه توافق جدید ایران و عربستان

باز خوانی صلح حدیبیه

چند بار هم به شدت مجروح شده بود، در این ماجرا مطیع محض بود و هرچه پیامبر می‌فرمود، او می‌نوشت، اما بعضی افراد ظاهرنگر، تندمزاج و سوپر انقلابی که چندان سابقه خوشی نداشتند و در هیچ جنگی هم شرکت نکرده و حتی قطره خونی در راه اسلام از دماغشان ریخته نشده بود، ناگهان غیرتی و کاسه داغ تر از آتش شدند و زبان به اعتراض گشودند و فریاد و اسلاما سر دادند که چرا پیامبر از این همه اصول عقب نشینی کرده و عزت اسلام و مسلمانان را به تاراج برده است؟! پیامبر در اینجا سه امتیاز مهم به دشمن داد و بدون اینکه حتی یک امتیاز بگیرد و در ظاهر این قرارداد به قول امروزی‌ها کاملاً «برد - باخت» بود نه «برد - برد» اما رسول خدا (ص) هر کدام از مخالفان را به اندازه درک و فهمشان جوابی داد و آرامشان کرد... (همان، ص ۳۶۸)

در مدت کوتاهی نتایج مثبت این معاهده به ظاهر برد - باخت آشکار شد:

۱- حملات، هجوم‌ها، تحرکات و توطئه‌های داخلی و خارجی قریش متوقف گردید.
۲- مسلمانان از ناحیه دشمن خیالشان راحت شد و به آرامش نسبی دست یافتند.
۳- زمینه برای ترویج و تبلیغ اسلام در نقاط دیگر فراهم آمد.
۴- ارتباط میان توده مردم قریش و مسلمانان سبب ترویج بیشتر اسلام در میان مشرکان گردید.
۵- جوانان قریش تحت تاثیر آداب و رسوم و اخلاق اسلامی مسلمانان به ویژه بر خوردهای محبت آمیز پیامبر قرار گرفتند و فوج فوج به اسلام گرویدند. (مکاتیب الرسول، احمدی میانجی، ج ۳، ص ۹۴)

البته روشن است قرارداد به این عظمت و تعیین کننده، به احتمال قوی پیامدهای مثبت در بُعد اقتصادی هم داشته و موجب رونق روابط تجاری میان طرفین و بهبود وضعیت معیشتی مردم نیز شده است لیکن مورخان از این جهت غفلت کردند و این نکته جای تحقیق مضاعف دارد. از مجموع گزارش‌های مورخان برمی‌آید جوانان بسیاری از قریش به پیامبر پناهنده می‌شدند و پیامبر نیز طبق قرارداد حدیبیه، آنها را به قریش تحویل می‌داد. وقتی اینها برمی‌گشتند به اشکال گوناگون در دروس مشرکان می‌شدند که شرح و تفصیل آن در کتب تاریخی آمده، تا این که سران قریش به ستوه آمدند، مجبور شدند و خود پیشنهاد کردند تا بند دوم صلح حدیبیه ملغی شود و پیامبر هم قبول کرد. در اهمیت این معاهده همین بس که در تأیید آن، آیه «ثنا فتحنا لک فتحاً مبیناً» نازل گردید.

علاوه در فوائد این صلح، اسام صادق (ع) نیز فرمود: «ما کانت قضیه اعظم برکه منها». هیچ حادثه‌ای در زمان پیامبر بر برکت‌تر از صلح حدیبیه نبود. (بحار، ج ۲۰، ص ۳۶۳). آیت الله سبحانی در کتاب ارزشمند «فروع ابدیت» بعد از گزارش ائمه و واقعه تاریخی و پیامدهای مثبت آن می‌نویسد: علت آنکه پیامبر زیر بار این پیمان رفت و حاضر شد لقب «رسول الله»

سال ششم هجری، پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) جهت انجام فریضه حج به همراه یاران، اصحاب و عشایر از مدینه خارج و به سوی مکه رهسپار شد. وقتی سران قریش باخبر شدند به مقابله برخاستند تا مانع از ورود مسلمانان به مکه شوند. در این هنگام پیامبر دستور توقف فرمود و در منطقه‌ای به نام «حدیبیه» اتراق کرد. همان پیامبری که در طول ۲۳ سال پیامبری، بیش از ده‌ها جنگ اعم از «غزوه» و «سریه» با مشرکان و کفار داشت در این مرحله بسا توجه به اوضاع و شرایط زمانی و مکانی، سخن از صلح زد و با دشمن دیرینه خویش وارد مذاکره شد و این مذاکره در نهایت منتهی به آشتی با دشمن دیرینه و مشهور به «صلح حدیبیه» گردید.

پیامبر در این پیمان تاریخی در واقع به خاطر رسیدن به مصالح اهم، از یک سری اصول مهم و مسلم اسلامی به طور موقت چشم پوشید که جا دارد در آن دقت و تأمل بیشتر شود. هنگام انعقاد این قرارداد، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) منشی «بسم الله الرحمن الرحیم» بنویسد، اما شهیل بن عمرو نماینده مشرکان گفت: ما خدای رحمان و رحیم را نمی‌شناسیم، باید «باسمک اللهم» بنویسد که خدای مشرکان است. علی به دستور پیامبر، باسک اللهم نوشت. بعد خواست در متن صلحنامه، اسم مبارک پیامبر را به عنوان «محمد رسول الله» آورد، سهیل گفت: ما تو را به عنوان فرستاده خدا قبول نداریم، بلکه تو فقط محمد پسر عبدالله هستی. باز به دستور پیامبر، در متن قرارداد، «محمد بن عبدالله» جایگزین «محمد رسول الله» شد. (بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۵۲)

تا اینجا رسول گرامی اسلام (ص) در ظاهر از دو رکن اصول دین، یعنی «توحید» و «نبوت» عقب‌نشینی کرد و به دشمن امتیاز داد، علاوه در بند دوم صلحنامه نیز نوشته شد: هرگاه فرد یا افرادی از قریش به مسلمانان پیوستند، پیامبر موظف است آنها را به مشرکان تحویل دهد، اما اگر فردی از مسلمانان به قریش پناهنده شد، مسلمانان حق استرداد او را ندارند. این هم امتیاز سومی بود که از جانب رهبر مسلمانان به مشرکان داده شد و در ظاهر با اصل «لاسلام یغلو ولا یغلی علیه» منافات داشت.

جالب است در این هنگام خیر آوردند که ابو جندل پسر سهیل به لشکر اسلام پیوسته و مسلمان شده است. سهیل خطاب به پیامبر گفت: این اولین مورد است و باید به آن عمل کنید. حضرت ابو جندل را به پدرش تحویل داد. او فریاد کرد و از پیامبر یاری طلبید، اما حضرت ابو جندل را دلدار داد و توصیه فرمود که به خاطر اسلام و مسلمانان این مصائب و مشکلات را متحمل شود. (همان، ص ۳۶۸)

امام علی (علیه السلام) که در اغلب جنگ‌ها و نبردهای سنگین کنار پیامبر حضور داشت و

را از مشن آن بردارند و پیمان را مانند پیمان‌های دوران جاهلیت با لفظ «بسمک اللهم» آغاز کنند، همه برای حفظ صلح و برقراری امنیت در محیط عربستان بود... با این که پیامبر ضربه‌های سنگینی از قریش دیده بود مع الوصف قلب او پر از عواطف بشردوستانه بود، حتی جهت تحقق این صلح با بعضی از اصحاب خود که مخالف بودند درگیر شد. (فروع ابدیت، ج ۲، صص ۵۹۵ و ۵۹۹)

از این رخداد تاریخی و سیره پیامبر و ائمه (علیهم السلام) استفاده می‌شود:

۱- به خاطر رعایت مصالح اسلام و مسلمین، می‌توان به گونه موقت از اصول چشم پوشی کرد و لیسوا این که آن اصول «توحید و نبوت» باشد؛ همین طور به دشمن امتیاز داد، بدون این که از او امتیاز گرفته شود.

۲- این عقب نشینی هرگز به معنای تسلیم و ترس نیست بلکه عین شجاعت، عقانیت، درایت، مدیریت و به نوعی یک تاکتیک است، چنانکه مذاکره و گفتگو با دشمن قسم خورده نیز نمی‌تواند همیشه مساوی با ذلت، خود باختگی و علامت وابستگی باشد.

۳- این که اسام خمینی فرمود: «حکومت، شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) و یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است» (صحیفه، ج ۲۰، ص ۱۷۰) و در صورت تراجم، حکومت می‌تواند مصالح و منافع مردم را مقدم دارد و حکم به تعطیلی موقت حج کند، شاید به همین سیره پیامبر و اصل رعایت مصلحت اسلام و مسلمین برمی‌گردد، چون حکومت و نظام اسلامی فی نفسه و قطع نظر از مصالح امت و اداره بهینه مردم موضوعیتی ندارد.

۴- تشخیص مصادق و موضوع از حیث شرایط، موقعیت زمانی و مکانی و این که چه کسانی برای اجرای این گونه گفتگوها و مذاکرات و انعقاد قراردادها انتخاب شوند بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. در بیانیه اخیر وزرای ایران و عربستان، مبنی بر فعال سازی موافقتنامه‌های سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ پیرامون همکاری‌ها در زمینه امنیت، اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، فناوری، علوم، فرهنگ، ورزش و جوانان نشان از درایت، خلاقیت و اشرف مسئولان امور خارجه دیروز و امروز نسبت به مسائل حساس کشور و منطقه دارد.

بنابراین جمهوری اسلامی با الهام از فقه حکومتی و به خاطر دستیابی به مصالح اهم و ترمیم و بهبود وضعیت بد معیشتی مردم، البته با کارگزاران قوی، با تجربه، متخصص و کارگشته می‌تواند به طور موقت از امور مهم دیگر چشم پوشی کند یا به تعبیر شهید مطهری: «به خاطر مصلحت بزرگتر از مصلحت کوچکتر دست بردارد». (اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، ص ۸۶)

و با نرمش قهرمانانه، تعامل سازنده یا هر عنوان انتزاعی دیگر با همه کشورها حتی با آمریکا رابطه داشته باشد که در فقه به آن، «باب «تزامم» یا باب «ترجیح اهم به مهم» گفته می‌شود...»

ادامه در صفحه ۲

مراسم شب‌های قدر حرم مطهر امام خمینی (س)

شب نوزدهم ماه رمضان مصادف با یکشنبه ۲۰ فروردین از ساعت ۲۲:۴۵

سخنران: ریاست محترم قوه قضائیه

جناب حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای

به همراه قرائت دعای جوشن کبیر، مداحی و مراسم احیاء

شب بیست و یکم ماه رمضان مصادف با سه‌شنبه ۲۲ فروردین از ساعت ۲۲:۴۵

سخنران: ریاست محترم جمهور

جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید ابراهیم رئیسی

به همراه قرائت دعای جوشن کبیر، مداحی و مراسم احیاء

شب بیست و سوم ماه رمضان مصادف با پنجشنبه ۲۴ فروردین از ساعت ۲۲:۴۵

قرائت دعای جوشن کبیر، مداحی و مراسم احیاء

اتوبوسرانی و مترو تهران آماده خدمت به زائران عزیز برای حضور در حرم امام با رگشت می‌باشند



ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س)